

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان

۰۷ نومبر ۲۰۲۳

اهداف پاکستان از اخراج پناهجویان و مهاجران افغانستان

ماه ها است که پناهجویان و مهاجران افغانستان در پاکستان تحت فشار سیستماتیک دولت پاکستان قرار دارند. پولیس پاکستان به دستگیری مهاجران حتی آنانی که دارای اقامت قانونی می باشند، پرداخته آنان را لت و کوب، بازداشت و شکنجه می کند و اموال شان را مصادره می کند. اما در ماه گذشته یک ضرب الاجل یک ماهه را برای خارج شدن پناهجویان تعیین کرد که در ۲ نومبر مدت آن به سر رسید و بار دیگر کارزار اخراج شدت بی سابقه ای به خود گرفته است. وحشیگری پولیس پاکستان به گونه ای است که بیش از ۱۸۰ هزار نفر در یک ماه اخیر داوطلبانه از پاکستان خارج شده اند و از زمان به سر رسیدن مدت ضرب الاجل تعیین شده به گفته حکومت طالب در فاصله شب جمعه تا روز شنبه ۵ نومبر نزدیک به ۶۰ هزار نفر از مرز اخراج و "به طور جبری" به داخل افغانستان رانده شدند. گزارش هایی که از مرز پاکستان – افغانستان توسط رفقا به ما ارسال شده است حکایت از وخامت فوق العاده اوضاع پناهجویان دارد. عمدتاً مردم فقیری که غذای شب ندارند، لباس های پاره برتن دارند و کلیه وسایل شان از چند صد روپیه تجاوز نمی کند بر در و دیوار بس و یا موتر های قدیمی و کهنه خود را آویزان کرده اند تا به طرف دیگر مرز بروند. در میان آنان بسیاری هستند که دو نسل و یا بیشتر در پاکستان مهاجر می باشند و حتی زبانهای افغانستان را یاد ندارند اما مجبورند تا به دنیای تازه ای که از آن شناختی ندارند، فامیلی و یا حتی و دوست و آشنائی ندارند، قدم بگذارند. پاکستان در صدد است تا ۱.۷ میلیون مهاجر و پناهجو را که تخمین می زند به طور «غیرقانونی» در پاکستان زندگی می کنند، اخراج کند.

بهانه پاکستان برای اتخاذ چنین سیاست فاشیستی چیست؟

بهانه دولت پاکستان برای اخراج مهاجران و پناهجویان افغانستان اینست که اکثر عملیات تروریستی و انتحاری در پاکستان توسط شهروندان افغانستان صورت می گیرد. و این چنین وانمود می کند که امنیت زمانی به کشور پاکستان بازمی گردد که افغان ها اخراج گردند. از طرف دیگر ظاهراً اعتراضی است به رابطه حکومت طالبان و تحریک طالبان پاکستان. اما این ها بهانه ای بیش نیستند. چرا که پاکستان طی دهه ها جنگ در افغانستان، مهاجران افغان را در خود جای داده است. جنگهای افغانستان برای پاکستان منافع بسیاری در بر داشته است. همچنین پاکستان نقش بسیار مخربی را در شکل دهی سیاسی در افغانستان بازی کرده است. پاکستان در چند دهه گذشته با استفاده از جنگ های

مختلفی که در افغانستان جریان داشته و با کمک و حمایت امپریالیست های امریکائی خود را به مثابه یک قدرت منطقه ئی تثبیت کرده و تلاش کرده تا با نفوذ خود در افغانستان، اهداف منطقه ئی خودش را که عمدتاً تضاد و رقابت با هندوستان بود به پیش برد. به همین دلیل از پناهجویان افغانستان و به خصوص نیروهای بنیادگرای جهادی که علیه اشغال روسیه می جنگیدند استقبال کرد. بعد از اشغال افغانستان توسط امریکا و متحدینش و سقوط حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱، پاکستان نیروهای طالبان را در دامان خود پناه داد و امکانات مالی، نظامی و لجستیکی را در اختیارش قرار داد تا بتواند دوباره قد علم کند. چرا که نفوذ پاکستان در منطقه با به قدرت رسیدن طالبان معنا می یافت. بنابراین دولت و ارتش پاکستان مهمترین حامی و تولید کننده تروریسم و بنیادگرائی اسلامی در منطقه بوده است. پاکستان نیروهای تروریستی بنیادگرای بسیاری مانند لشکر طیبه، جیش محمد، سپاه صحابه و... را سازمان داده است و در شکل دهی طالبان نقش مهمی داشته است. گروه تحریک طالبان پاکستان نیز خارج از چنین پلان هائی به وجود نیامده است. بعد از اشغال افغانستان توسط امریکا، گروه تحریک طالبان پاکستان عمدتاً در خدمت تقویت طالبان افغانستان به کار گرفته می شد. اما اینک که طالبان به قدرت رسیده است، تحریک طالبان پاکستان در موقعیت بلاتکلیفی باقی مانده است و بنابر نامش باید عملیات هائی علیه پاکستان انجام دهد. اکثر تحرکات تروریستی در پاکستان در چند سال گذشته از طرف نیروهای تروریستی بوده که خود پاکستان به وجود آورده است. بنابراین گروه تحریک طالبان پاکستان همانند بقیه گروه های بنیادگرای سنی نیز در عملیات تروریستی علیه مردم و هزاره های ساکن پاکستان و افغانستان نیز دست داشته اند.

در نتیجه این اتهام پاکستان که بیشتر عملیات انتحاری در پاکستان توسط شهروندان افغانستان صورت می گیرد، بی مورد است و ربطی به پناهجویان و مهاجران افغانستان ندارد. در چند سال اخیر گروه های تروریستی زاده پاکستان به عملیات های انتحاری و تروریستی در پاکستان اقدام کرده اند، اگر چه این گروه ها ممکن است از پناهجویان و مهاجران عضوگیری کرده و جوانان و کودکان پناهجویان را قربانی اهداف تروریستی خود کرده باشند. جنایتی که خود دولت پاکستان در آن نیز سهیم است. دولت پاکستان از ماهیت گروه های تروریستی خود بخوبی اطلاع دارد اما آنها را تنها بهانه کرده است تا هم پناهجویان و مهاجران افغانستان را به طور کل مورد اذیت و آزار قرار دهد و هم بخش های مهمی از این پناهجویان را اخراج کند. دلایل اصلی اخراج افغان ها در جای دیگری نهفته است.

اما دلایل واقعی این اخراج گسترده چیست؟

ابتداء باید به این پرداخت که آماج اصلی اخراجی ها چه بخش هائی از مهاجران و پناهجویان هستند؟ پاکستان دو بخش از مهاجران را آماج اخراج های فاشیستی خود قرار داده است. اول بخشی که در دو سال اخیر بعد از به قدرت رساندن طالبان از افغانستان گریخته اند و دوم بخش بسیار فقیر و زحمتکش که فارغ از این که در چه مقطعی به پاکستان پناه برده اند مشمول این اخراج می شوند.

۱- بخش هائی که در دو سال اخیر از افغانستان خارج شده اند دو دسته اند. یک دسته آنهایی هستند که منتظر خروج از پاکستان به یکی از کشورهای اروپائی و یا امریکا می باشند. تعداد این دسته از دو یا سه هزار نفر بیشتر نیست و ظاهراً مشمول اخراج نمی شوند. اما مشکل برای پاکستان دسته دوم است که به گفته دولت پاکستان در حدود ۶۵۰ هزار نفر می باشند. این دسته به طور مشخص مخالف حکومت طالبان می باشند و امیدی به خروج از پاکستان به طرف کشورهای غربی ندارند. پاکستان از وجود این بخش در کشور خود راضی نیست و عکس آنچه بروز می دهد اخراج پناهجویان نه فشار بر طالبان بلکه حمایت از حکومت طالبان است. ناراضیانی را که ممکن است مشکل ساز باشند به

دامان طالبان پس می فرستد. بسیاری از آنان کسانی هستند که جان آنها در افغانستان در خطر خواهد بود مانند فعالان زن، فعالان سیاسی، خبرنگاران و هنرمندان. به خصوص آن فعالانی که با هیچ یک از پروژه های کشورهای امپریالیستی همکاری نداشته اند. آنانی که نه می خواسته و نه خواهان آنند که با پروژه ها و یا سازمان های غیر دولتی غربی کاری داشته باشند. از این نظر پاکستان آنها را برای خود نیز خطرناک می بیند. همچنین جزو اینان بسیاری از خانواده هائی هستند که به خاطر تحصیل و آینده دخترانشان به پاکستان سفر کرده اند. همچنین بسیار زنانی که اگر چه فعال سیاسی نبوده اما نمی خواهند در زیر حکومت طالبان به کنج خانه رانده شده و خارج از اجتماع زندگی کنند. همچنین آن افرادی که در دولت سابق جزو کارمندان و یا نظامیان جزء بوده اند. به هر حال این دسته از کسانی هستند که نه پاکستان آنها را می خواهد و نه طالبان می خواهد که از افغانستان خارج شوند. به همین دلیل طالبان اعلام کرده است که آنها را با " عزت " خواهد پذیرفت و آنانی که از این دسته به افغانستان برگشته اند شوند طعم این "عزت" طالبان را خواهند چشید.

۲- بخش دیگری که پاکستان قصد اخراج آنها را دارد، بخش فقیر و تحتانی مهاجران است. از آنجا که پاکستان در یک موقعیت اقتصادی بسیار نامناسب که در ۲۵ سال اخیر بی سابقه است، قرار دارد، درصدد است که آنها را اخراج کند. پاکستان تصور می کند که این دسته از پناهجویان دیگر برایشان سودی ندارد. در میان اینها مهاجرانی هستند که چند نسل در پاکستان بوده اند و حتی زبانهای افغانستان را یاد ندارند. کدام فامیل و آشنائی را در افغانستان ندارند. در میان این بخش نیز مهاجرانی وجود دارد که حتی دارای برگه اقامت قانونی بوده اند اما آنها را برای اخراج به مرز برده اند. اما طالب هم از این مسأله ناخرسند نیست. چرا که باشندگانی که می خواهد تحت فشار قرار دهد، دوباره تحت کنترل خود در می آورد و از پخش شدن مخالفان خود در کشورهای دیگر که باعث بی اعتباری اش می شود جلوگیری می کند. از طرف دیگر می تواند کمک های بیشتری از نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد دریافت کند و آن را در خدمت افکار زن ستیزانه و ضد مردمی خود به کار برد.

آنچه که در نهایت در مورد رفتار فاشیستی دولت پاکستان می توان گفت، آنها نمی توانند که مسایل را با جبر مطابق دلخواه خود به پیش برند. آنچه که در پاکستان می گذرد یعنی حرکت های تروریستی و انتحاری نتیجه سیاست بازی های کثیفشان در چهار دهه گذشته بوده است و نه در نتیجه وجود پناهجویان بی پناهی که قربانی چنین سیاست بازی های کثیف پاکستان شده اند.

اما در مورد طالب، تصور باطلی است که می تواند در آرامش پناهجویان اخراج شده را دوباره تحت کنترل خود بگیرد. زنان و دختران خشم عظیمی از حکومت و ایدئولوژی طالب در دل دارند و پتانسیل مبارزه علیه ستم های ظالمانه وارد بر خود را نیز دارا می باشند. فعالان سیاسی، هنرمندان و خبرنگاران برای حفظ عزت و کرامت خود در مقابل ظلم سکوت نخواهند کرد و خشم شان برانگیخته خواهد شد.

اما چه خوب خواهد بود که این مردم و بقیه باشندگانی که علیه طالب و حکومت دینی آن بوده و علیه آن می رزمند برای رهایی از کلیه ستم ها و استثمار مبارزه کنند. برای جامعه ای مبارزه کنند که در آن زنان به معنای واقعی از قید هر گونه ستمی رها می گردند و می توانند نقش مهم و والای خود در جامعه را ایفا نمایند. برای جامعه ای مبارزه کنند که در آن هنرمندان نه تنها سرکوب نمی شوند بلکه هنرشان در راه رهایی شکوفا می گردد و خبرنگاران به خاطر گفتن حقیقت و گزارش های واقعی نه تنها سرکوب نمی شوند و یا مانند کشورهای سرمایه داری با شیوه های آشکار و پنهان مجبور به خود سانسوری نمی شوند، بلکه با گزارش های واقعی به مردم حقیقت را آنگونه که هست می گویند. چه

خوب که برای جامعه ای مبارزه کنند که پرولتاریا و زحمتکشان در رهبری آن قرار گیرند و مردم را به سوی جامعه ای بدون مرز، بدون ستم و بدون استثمار به پیش برند.

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان

۱۵ عقرب ۱۴۰۲ - ۶ نومبر ۲۰۲۳